خبر

چینی‌ها نفت ایران را به مغولستان صادر می‌کنند

● **مهر:** وزیر نفت با اشاره به درخواست مغولستان برای واردات نفت از ایران، گفت: امکان صادرات ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه نفت ایران از طریق شرکت‌های چینی به این کشور آسیایی وجود دارد. بیژن زنگنه در اولین دور مذاکرات رسمی نفتی جمهوری اسلامی ایران و مغولستان درباره جزئیات محورهای مذاکرات انجام‌شده با طرف مغولی، گفت: مغولستان علاقه‌مند به خرید نفت از ایران است، اما چون این کشور به دریا راه ندارد، تنها راه صادرات نفت به مغولستان از طریق شرکت‌های چینی است، بنابراین در صورت توافق دو کشور، ایران نیز مشکلی برای صادرات نفت به مغولستان ندارد.

توسعه فاز دوم آزادگان شمالی به چینی‌ها واگذار شد

● **مهر:** یک مقام مسئول از احتمال مشارکت شرکت CNPC در فاز دوم طرح توسعه میدان نفتی آزادگان شمالی خبر داد و گفت: براساس قرارداد باید این شرکت چینی توسعه فاز دوم این میدان نفتی را انجام دهد. کرامت بهبهانی درباره انتخاب پیمانکار فاز دوم طرح توسعه میدان نفتی آزادگان شمالی درباره معرفی برخی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه خلیج‌فارس و حوزه غرب کارون، تصریح کرد: در کنفرانس نفت تهران مشخصات طرح توسعه میادین چنگوله، گلشن، فردوسی، فاز دو و سه میدان گازی کیش، طرح توسعه فاز دوم آزادگان جنوبی و فاز سوم میدان نفتی دارخوین به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و خارجی معرفی شد.

صادرات اولین محموله نفت خام آمریکا پس از ۴۰ سال

● **ایرنا:** یکی از شرکت‌های نفتی آمریکایی اعلام کرد پس از ۴۰ سال ممنوعیت صادرات نفت در این کشور، اولین محموله نفت خام شیرین چاه‌های ایالت تگزاس به ظرفیت ۶۰۰ هزار بشکه را به کشور سوئیس صادر خواهد کرد. نشریه وال‌استریت ژورنال به نقل از شرکت نفتی «ای‌پی‌پی» آمریکا روز پنجشنبه اعلام کرد که در نخستین هفته ماه ژانویه اولین محموله صادرات نفت این کشور به ظرفیت ۶۰۰ هزار بشکه را که از چاه‌های نفت ایالت تگزاس استخراج شده، از طریق تانکرهای یک شرکت هلندی به‌نام «ویتول گروپ» به یکی از شرکت‌های تصفیه نفت زیرمجموعه شرکت مذکور در کشور سوئیس صادر خواهد کرد. معاون وزیر نفت در واکنش به این خبر با بیان اینکه آزادسازی صادرات نفت آمریکا به بازار نفت ایران ضربه‌ای وارد نمی‌کند، گفت: شرکت نفت به دنبال فروش نفت با تخفیف یا ارزان‌تر از قیمت بازار به مشتریان نیست. رکن‌الدین جوادی افزود: با آزادسازی صادرات نفت‌خام و حتی میعانات گازی آمریکا، ایران کمترین آسیب را خواهد دید، زیرا اگر آمریکا بتواند نفت وارد بازار کند، اول آن کشورهایی که قیمت تمام شده‌شان بالاست، مجبورند تولید و عرضه نفت خود را محدود کنند.

۹۴ درصد خودروها در سال ۲۰۴۰ بنزینی خواهند بود

● **ایسنا:** سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) اعلام کرد در سال ۲۰۴۰ حدود ۹۴ درصد خودروها در جهان از سوخت‌های نفتی استفاده خواهند کرد. به گزارش اتوبلاگ، اوپک در گزارش «چشم‌انداز نفت ۲۰۱۵» از اینکه خودروها چند دهه دیگر همچنان از محصول این سازمان استفاده خواهند کرد ابراز خرسندی کرد و گفت: آینده این سازمان درخشان است، زیرا تا سال ۲۰۴۰ تنها شش درصد خودروهای سواری شخصی و ۳.۵ درصد خودروهای تجاری از سوخت‌های غیرنفتی استفاده خواهند کرد. اوپک اذعان کرد خودروهای برقی در حال بهتر و ارزان‌ترشدن هستند ولی این پیشرفت آن‌قدر نیست که بتوانند با خودروهای بنزینی که روزبه‌روز کم‌مصرف‌تر می‌شوند، رقابت کنند.

امضای توافق‌نامه موقت تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و اوراسیا

● **ایرنا:** توافق‌نامه موقت تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا امضا شد. محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران و آندره اسلپنیوف، وزیر امور تجارت اتحادیه اقتصادی اوراسیا این توافق‌نامه را امضا کردند. در اوایل ژانویه (اواسط دی) ایران و اتحادیه اوراسیا کارگروه‌های مشترکی را برای به سرانجام‌رساندن توافق تعرفه ترجیحی تشکیل خواهند داد تا هرچه زودتر شرکت‌ها همکاری خود را شروع کنند. انعقاد یک قرارداد تجاری باعث می‌شود همه کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و ایران از تعرفه‌های ترجیحی و سایر تسهیلات تجاری برخوردار شوند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا درحال‌حاضر از کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان تشکیل شده است.

دولت‌ها از انگ سوسیالیستی خجالت می‌کشند

ادامه از صفحه۵

برای کسانی که می‌خواهند کار جدیدی را شروع کنند، موانع زیادی وجود دارد و افراد با مراحل بسیار طولانی مواجه می‌شوند. در سال ۲۰۱۴، در بین ۱۹۸ کشور در فضای کسب‌وکار، رتبه ۱۳۲ را داشتیم. به‌ویژه آنکه شرایط کسب‌وکار برای جوانان جویای کار و تحصیل‌کرده‌های جوان آماده نیست. موانعی شناخته شده وجود دارد که رفع‌نشدنی است. نظام بازار که می‌تواند در شرایطی در ایران شکل بگیرد، با موانع جدی مواجه است. ما انحصارات دولتی داریم و رقابت‌پذیری وجود ندارد. خیلی از مسائل وجود دارد که منجر به ناکارآمدی بازارها در ایران شده است. بهبود فضای کسب‌وکار به کمک واحدهای خرد، کوچک و متوسط در ایران که موتور ایجاد اشتغال هستند، ممکن است و برای حل مسئله اشتغال خاستگاه خوبی به‌شمار می‌روند. در اروپا و آمریکا هم همین است، اما برای اینها متأسفانه کاری نکرده‌ایم. درحالی‌که، یکی از بزرگ‌ترین معضلات ما مسئله بی‌کاری است و اگر تا چند سال آینده ادامه پیدا کند، به مرحله‌ای خواهد رسید که ممکن است حل آن ناممکن باشد. در کنار آن، در نظام بانکی، نرخ بهره همواره به نحوی است که هیچ واحد تولیدی نمی‌تواند با استفاده از منابع بانکی خود را اداره کند یا به سود معقول و عقلانی برسد؛ یعنی بنگاه‌داری در ایران که عمدتا می‌تواند متکی به منابع بانکی باشد و از تجهیز منابع بانک‌ها استفاده کند، با موانع جدی مواجه است. درحال‌حاضر، هزینه‌های بانکی بیش از ۲۸ درصد است؛ بنابراین با این هزینه هیچ واحد صنعتی یا کشاورزی امکان اقتصادی‌شدن ندارد. البته برای پیشبرد اقتصاد، احتیاج داریم یک سیاست خارجی فعال و توسعه‌یافته‌ای در جهت حل مسائل اقتصادی داشته باشیم؛ یعنی حداقل مصالحه بین‌المللی و سیاست خارجی فعال لازمه توسعه است. اکنون، احتمال دارد در آینده با ۱+۵ توافق ایجاد شود. تجهیز سفارتخانه‌ها در جهت رفع مسائل اقتصادی باید انجام شود. امروز بسیاری از سفارتخانه‌هایمان آمادگی این کار را ندارند و افراد مشغول در آنجا کسانی نیستند که بتوانند مسائل اقتصادی و مشکلات ما را در آن کشورها پیگیری و پشتیبانی کنند. یکی دیگر از مشکلات در زمینه اقتصادی، مسئله تمرکزگرایی است. اینکه ما بیشتر به اقتصاد کلان، پروژه‌های بزرگ و اقتصاد ملی توجه کرده‌ایم، درحالی‌که، باید به پروگرام‌های توسعه مناطق توجه کنیم. ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی‌ای وجود دارد که می‌تواند برای کشور ما مؤثر باشد. درحال‌حاضر، در کشورمان مکان‌های بکری برای گردشگری و توسعه تجارت یا حمل‌ونقل دریایی مثل سواحل مکران، سواحل دریای عمان که کاملا دست‌نخورده است، داریم. توسعه یک کشور مانند یک پازل است که هر قطعه آن شامل مناطقی است که در آن پازل‌ها قرار می‌گیرد. هرکدام از این استان‌ها یک فعالیت تخصصی دارند و مجموع اینها یک سینرژی کلان تولید می‌کند که توسعه ملی و اقتصاد ملی را موجب می‌شود. باید درنظر داشت، بدون اینکه به بازارهای محلی و مزیت‌های ملی توجه کنیم نمی‌توانیم درباره توسعه ملی اهتمام بورزیم. برای طرح‌های بزرگ و کارهایی که مربوط به صنعت پایه، میانی و صنایع مختلف است، هنوز بعضی از مسائل بسیار کهنه مثل مسئله ال‌سی‌هایمان حل نشده است. تنظیم سود بازرگانی ملی و رفع موانع بازرگانی جزء مسائلی است که باید در دولت حل‌وفصل شود. چند صنعت در ایران داریم که در زمره صنایع جهانی است؛ مثل صنعت اتومبیل، آب و برق، تولید دارو، پتروشیمی، سدسازی، سیمان و فولاد و باید برای ارتقای آنها بکوشیم. از طرفی اکنون مقررات واردات و صادرات به زنجیره‌های ارزش تولیدات داخلی کمک نمی‌کند. مسئله دیگر، عملیاتی‌کردن دولت برای استفاده از حامل‌های انرژی گاز است. ما روی بزرگ‌ترین منبع گاز جهان زندگی می‌کنیم و باید به‌تدریج کاری کنیم که به جای نفت خام و حامل‌های دیگر انرژی، همه‌چیز را به سمت استفاده از گاز ببریم که خوشبختانه این تغییر، یکی از برنامه‌های وزارت نفت است که می‌تواند صرفه‌های ملی عظیمی را برای اقتصاد ایران به همراه داشته باشد. دولت نباید در همه کارها دخالت کند و باید به‌تدریج تصدی‌اش را در امورات اقتصادی کم کند. دولت باید خود را به سمت کالاهای عمومی گرایش دهد. چند کار است که جزء وظایف اصلی دولت است: اقتصاد کلان، آموزش، بهداشت، امنیت داخلی، حراست از سرزمین، زمینه‌سازی برای تأمین مسکن و اشتغال و حفاظت از محیط‌زیست و... که دولت باید از دخالت در زمینه‌های دیگر، جز این موارد، اجتناب کند. دولتی که کمتر از ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد ملی دارد نباید هزینه‌هایش را صرف کارهایی کند که خارج از وظایف اصلی‌اش است. اصلاح نظام مدیریت دولتی عمومی یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت توسعه است. مدیران اجرائی و تخصصی در بخش‌های سیاست‌گذار و برنامه باید حرفه‌ای و دارای تحصیلات مرتبط باشند. مدیران سفارشی و تشریفاتی، کارمندان بدون انگیزه و تخصص نمی‌توانند کار به جایی ببرند. دولت باید برای اصلاح این مهم، برنامه عملیاتی داشته باشد. بهره‌وری سرمایه‌های ملی ایران برای توسعه اقتصادی کفایت نمی‌کند. باید با جلب سرمایه‌های خارجی سطح سرمایه‌گذاری در کشور را گسترش دهیم. درآمد ملی ایران در سال ۲۰۱۳ حدود ۳۷۶ میلیارد دلار بود. این میزان خیلی کم است و قاعدتا ظرفیت ایران چندین برابر است؛ اما در شرایط حاضر این نوع سرمایه‌هایی که در کشور داریم برای تحولات اساسی که مدنظر است کافی نیست و باید برای جلب سرمایه‌های خارجی تلاش کنیم. این موارد بیم و امیدهای اقتصادی و شرایط توسعه کشور است و نشانگر آن است که ما در شرایط بحران به‌سر می‌بریم و برنامه ششم برای حل آن کافی نیست. دولت باید پروگرام‌های اجرائی چهارگانه را برای برون‌رفت از این شرایط مهیا کند، زیرا شرایط کشور شرایط عادی نیست که برنامه‌های کلاسیک در آن کارآیی داشته باشند. ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که اقتصاد رانتی دلالی و انحصارات شدید گروه‌های پرنفوذ به جای کارآمدی اقتصاد بر کشور حاکم است و بی‌کاری، رکود و فقر بر جامعه حاکم شده است.

عکس: میلاد پیامی

با توجه به لایحه پیشنهادی برنامه ششم، از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که هنوز از سوی دولت پذیرفته نشده است، در بخش‌های خاصی، به‌نوعی خصوصی‌کردن دولت در حال رخ‌دادن است. درواقع به‌نوعی فرار از وظایف اصلی دولت. همان‌طور که اشاره کردید خدمات عمومی جزء وظایف دولت است و نباید خصوصی شود. نظر شما دراین‌باره چیست؟

وظایف دولت خیلی زیاد است؛ بنابراین باید خیلی از وظایفش را از خودش دور کند و خیلی از وظایفش را به عهده بخش خصوصی بگذارد. اگر بودجه سالانه یک کشور را ملاحظه کنید، پول‌هایی از طرف دولت هزینه می‌شود که وظیفه دولت نیست. خیلی از اینها می‌تواند از سوی بخش خصوصی و عمومی انجام گیرد. مردم و امور خیریه ما در امور رفاهی تجهیزکننده بخش مهمی از منابع بخش عمومی هستند و می‌توانند وارد میدان شوند. اینکه دولت همه کارها را خودش به عهده بگیرد، درست نیست.

قبول دارم، اما بحث بر سر تفکیک بین این کارهاست. آموزش و بهداشت را که از اول نباید خصوصی کنند.

همه این کارها تدریجی است. قرار نیست آموزش و بهداشت، خصوصی شوند. اولا سیاست‌گذاری بهداشت برعهده وزارت بهداشت است؛ اما بعضی از امور اجرائی درمان می‌تواند به بخش خصوصی واگذار شود، اگرچه به نظارت خیلی زیادی نیاز است که به مردم اجحاف نشود. اینها شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد؛ چراکه بهداشت و درمان مشمول شکست بازار هستند. معمولا آخرین جایی که دولت‌ها واگذار می‌کنند بخش بهداشت و درمان است و ما در ایران سابقه این کارها را داشته‌ایم و می‌توانیم اصلاحات دقیق را مینیاتوری جلو ببریم؛ مثلا یکی از سیاست‌های خوبی که دولت می‌تواند داشته باشد، این است که اداره بیمارستان‌های دولتی را هیأت امنایی کند؛ یعنی افرادی از بیرون نظارت کنند تا کارآمدی منابعی که دولت به کار می‌گیرد بیشتر شود. اگر زمانی دولت بخواهد بیمارستان‌ها به بخش خصوصی واگذار شود وجود هیأت امنا شرایط بهتری خواهد بود تا الان که سازمان مالی و تخصیص منابع روشنی ندارد.

شما اشاره به پروگرام رفاهی نیز داشتید. ما پیش‌ازاین نیز دراین‌زمینه وارد نشده بودیم؟

همان‌طورکه گفتم برنامه دوم، پروگرام رفاهی است. همه دولت‌های مدرن، به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته، برنامه رفاهی دارند؛ اما ما در ایران نداریم. برنامه رفاهی یعنی همان برنامه عملیاتی کامل دولت؛ به عبارت دیگر برای ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های مرفه، جبران زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد زیر خط فقر باید برنامه‌ای عملیاتی داشته باشیم. البته این‌طور نیست که دولت برنامه ندارد، اما یکپارچگی و انسجام ندارد. برنامه رفاهی باید متناسب با حجم اقتصاد باشد. ما هر آرزویی را در زمینه رفاهی نمی‌توانیم عملی کنیم. در ایران باید برنامه رفاهی‌مان متناسب با حجم و توان اقتصاد جامعه باشد. الان قانون ما در ساختار رفاه و تأمین اجتماعی کشور داریم که سیاست‌های اصلی رفاهی که باید در جامعه باشد در آن پیش‌بینی شده است. در سال‌های ۹۲ و ۹۳ به ترتیب ۱۴ و ۲۳ هزارمیلیارد تومان عملکرد عمرانی بودجه کشورمان بود؛ یعنی در همه زمینه‌ها این مقدار کار عمرانی کرده‌ایم؛ اما در همان زمان ۴۳ هزارمیلیارد تومان پول یارانه پرداخت کرده‌ایم. این امر نشان‌دهنده آن است که سیاست‌های رفاهی ما در زمینه‌هایی که مربوط به مسئله یارانه است با توان اقتصادی کشور تناسب ندارد و پول‌هایمان را بیخودی در جاهایی که نباید، مصرف می‌کنیم و درمقابل از کارهای عمرانی‌ای که می‌تواند ظرفیت‌ساز اقتصادی باشد و سبب ایجاد اشتغال و رفاه شود، غافل می‌شویم. باید در این زمینه‌ها تخصیص منابع به‌درستی انجام گیرد، زیرا در زمینه ایجاد منابع برای رفاه اجتماعی محدودیت وجود دارد. این امر نیاز دارد که دقیق بررسی شود. برای این کار مشکل قانونی هم نداریم چون در ایران بهترین قانون را که قانون ساختار رفاه و تأمین اجتماعی است، داریم و همه حکم‌ها و اختیارات به دولت داده شده است. در کشوری که در سال ۱۳۵۷، ۴۰ درصد جمعیت آن زیر خط فقر بود، در اثر اقدامات بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۶ به ۱۹.۸ و در آخر دولت هشتم در سال ۸۴ به ۱۰.۵ درصد رسید و ما جزء کشورهای متوسط از نظر خانوارهای زیر خط فقر شدیم، ولی در دولت‌های نهم و دهم به دلیل اقداماتی که انجام شد، خانوارهای زیر خط فقر در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ۳۳ درصد در شهر و ۴۰.۱ درصد در روستاها رسیدند. درحالی‌که دولت باید سیاست‌های رشد اقتصادی همراه با اجرای عدالت اجتماعی را اجرائی کند. یعنی سیاست کلان خوبی که با رشد اقتصادی و عدالت و رفاه اجتماعی ارتباط دارد، یعنی به اندازه رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی هم داشته باشیم. البته تأکید می‌کنم بیش از حجم و مقدار رشد اقتصادی که ایجاد فرصت می‌کند، حق نداریم رفاه اجتماعی را به سمتی ببریم که توانایی پرداخت هزینه‌هایش را نداشته باشیم. گاهی تصور دولت این است که امور رفاهی، مسائل سوسیالیستی است که این تصور اشتباه است. تمام کشورهایی که توسعه‌یافته‌تر یا کاپیتالیستی‌تر هستند، سیاست‌های رفاهی مستحکم‌تر و معلوم‌تری دارند. دولت باید روی پروگرام رفاهی جدی‌تر برخورد و دوباره به نحوی استقلال نظام مدیریت رفاهی کشور را برقرار کند. به نظر نمی‌رسد دولت یازدهم از همه ظرفیت‌های خود برای این امر استفاده کند.

نگاه دولت یازدهم هم این‌طور است؟

متأسفانه این امر در همه دولت‌ها وجود داشته و درعین‌حال که گرفتار مشکلات امور رفاهی هستند، خجالت می‌کشند از اینکه امور رفاهی را سازمان دهند. باید سیاست رفاهی‌مان از حالت گسیختگی خارج شود و با سطح اقتصادی کشور، دوباره تعریف شود و دولت برنامه رفاهی عملیاتی مشخصی را باید داشته باشد.

هیچ‌کدام از دولت‌ها نداشتند؟

نمی‌توان گفت نداشتند. الان هم نه اینکه چنین برنامه‌ای نداشته باشند، وجود دارد، اما هر دستگاهی به صورت گسیخته و جدا عمل می‌کند. مشکل دیگری هم که ایجاد شد این بود وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را که متصدی این کار بود و به‌صورت قانونی این کار را انجام می‌داد، در وزارت کار و تعاون ادغام کردیم و توانش را به حداقل رساندیم وگرنه قادر بود این کار را انجام دهد. جای تعجب است در کشوری که این همه مسائل عملی و سیاستی در امور رفاهی داریم، وزارتخانه‌اش را در یک دستگاه کوچک‌تر ادغام می‌کنیم، اما وزارت ورزش تأسیس می‌کنیم.

یعنی الان اگر این وزارتخانه جدا شود، می‌تواند بهتر کار کند؟

قطعا کارآمدی بیشتری خواهد داشت.

شما اشاره به برنامه ضد فساد داشتید که دولت باید در دستور کار داشته باشد. با توجه به فساد گسترده‌ای که میراث دولت‌های نهم و دهم است، می‌توان به این مسئله به‌درستی رسیدگی کرد؟

به‌هرصورت زمانی در ایران گفته می‌شد فساد در دستگاه‌های اداری وجود ندارد، اما اکنون آقای رئیس‌جمهور هم اعلام کردند این مشکل جنبه ساختاری پیدا کرده و به شکل سازمان‌یافته و نهادی گسترش یافته و از سال ۸۴ به بعد شدت پیدا کرده است. درواقع این مشکل در کشور ما وجود دارد. قاعدتا در دولت و جامعه‌ای که فساد باشد هرگز امر توسعه به پیش نخواهد رفت. فارغ از اینکه فساد در دستگاه‌های خارج از دولت هم وجود دارد، دولت می‌تواند این امر را به همه قوای کشور تسری دهد، به‌عنوان پیشران باید برنامه ضدفساد خود را در قوه‌مجریه تهیه کند، چون دولت عالی‌ترین نهاد جامعه است.

وقتی فساد در بدنه و ساختار پدید آمده...

فساد در دستگاه دولتی وجود دارد، اما مسئولان کشور ما افراد سالمی هستند و باید برنامه‌ای ضدفساد را تهیه کنند. هیچ جامعه و دولتی امکان ندارد در زمینه‌هایی که آلوده به فساد است، توسعه پیدا کند. از ملزومات توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، تهیه و اجرای برنامه ضدفساد حداقل در درون دولت است. تجارب جهانی زیادی داریم که چطور می‌توانیم فساد را کم کنیم. باید از این تجارب استفاده کنیم و برنامه‌های عملیاتی مشخصی داشته باشیم. دولت باید دراین‌باره صریح عمل کند و با وجود اینکه من همیشه مخالف هستم سازمان‌های دولتی جدید تأسیس شود ولی برای این کار اگر یک سازمان دولتی مشخصی هم ایجاد شود برای اینکه فساد را با برنامه‌ریزی کاهش دهد، موافقم این دستگاه در دولت تاسیس شود.

ادامه در صفحه ۱۸

ادامه از صفحه ۵

هزینه زیست‌محیطی پرورش دام سالانه ۱/۸۱ تریلیون

به‌طوری‌که در آمریکا ۲۷ دلار هزینه آلودگی آب، ۱۹ دلار هزینه آلودگی هوا و ۱۶ دلار صرفه‌جویی در مصرف برای هر تن سویا را به ارمغان آورده است. در آلمان نیز در نتیجه کشت ارگانیک گندم حدود ۱۱۲۲ دلار در کاهش گازهای گلخانه‌ای و ۴۳ دلار در کاهش آلودگی آب برای هر تن گندم کاهش هزینه زیست‌محیطی داشته است. به همین دلیل است که ترویج و توسعه کشت ارگانیک حائز اهمیت است. از سوی دیگر، محصولات ارگانیک فواید فراوانی از دیدگاه مصرف دارند: ۱- ارزش غذایی بالاتری دارند. میزان ویتامین C، کلسیم، منیزیم، آهن و فسفر در موادغذایی ارگانیک بیشتر است. ۲- مواد غذایی ارگانیک حاوی آنتی‌اکسیدان بیشتری است. (۵۰ درصد بیشتر از محصولات غیرارگانیک)، چراکه آفت‌کش‌های مصنوعی، تولید این مواد را در گیاهان کاهش داده اما کودهای حیوانی و آلی به‌کاررفته در کشاورزی ارگانیک، تولید آنها را افزایش می‌دهد. ۳-کمتر سمی هستند. محصولات ارگانیک سالم‌تر بوده و به بقایای آفت‌کش‌های آلی کمتر آلوده است. همچنین این محصولات فاقد افزودنی‌های غذایی بوده و طبعا سالم‌تر هستند. ۴- خوشمزه و خوش‌طعم‌تر هستند که یکی از دلایل آن این است که محصولات ارگانیک پس از برداشت در مدت‌زمان کمتری به دست مصرف‌کننده رسیده و تازه‌تر هستند و همچنین در محصولات تهیه‌شده به روش تجاری، با فراوری‌ها و دستکاری‌هایی که روی آنها صورت می‌گیرد، فقط به ظاهر، رنگ، بالابردن ماندگاری، افزایش تولید و مقاوم‌کردن آنها در برابر صدمات ناشی از حمل و انبارداری توجه می‌شود و نه کیفیت و ارزش تغذیه‌ای آن. ۵- تولیدکنندگان محصولات ارگانیک از استانداردها و دستورالعمل‌های بسیار سخت‌گیرانه‌ای تبعیت می‌کنند که احتمال آلوده‌شدن این‌گونه محصولات به مواد شیمیایی و سمی به حداقل ممکن می‌رسد. با توجه به منافعی که از دید مصرف و سلامت محصول دارد، توجه جهانی به ترویج مصرف محصولات ارگانیک هم از بعد حفاظت از محیط‌زیست و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و هم از دیدگاه سلامت جامعه به‌شدت مورد توجه است. به‌طوری‌که یکی از راهکارهای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تشویق و ترغیب مصرف محصولات ارگانیک و گسترش کشت و کاهش قیمت تمام‌شده آن است که مصرف‌کننده، هم دسترسی به محصولات ارگانیک داشته باشد و هم بتواند با قیمت پایین‌تری آن را مصرف کند.

LEON Café

کافه لئون نارون

کیترینگ و سفارشات بیرون بر
CATERING & DELIVERY

نیاوران- مرکز خرید نارون- طبقه همکف
۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com
/LEONSINCE1960

higroupplus.com/rakhshani